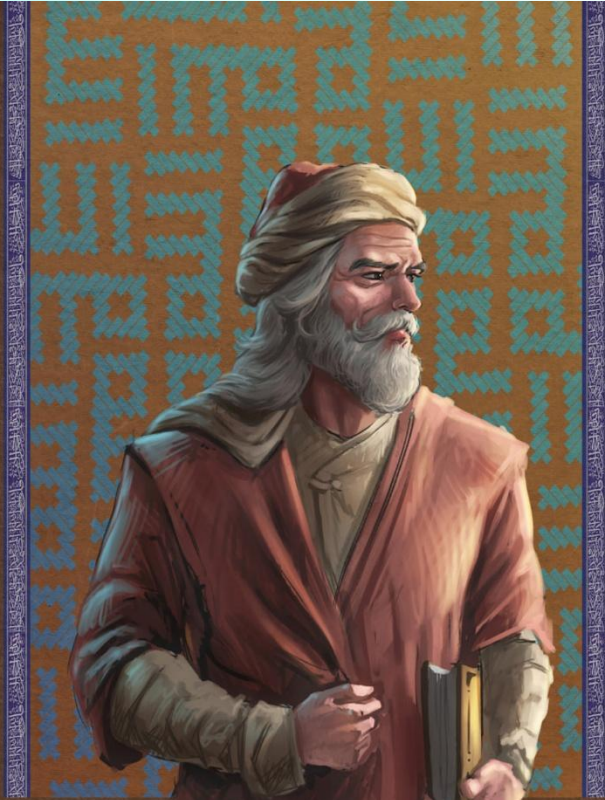


پیام سفیر

کلیک کنید



جوار | هفته‌نامه سفارت ج.ا.ا در واتیکان

سال دوم | شماره ۷۷ | ۳ مرداد ۱۴۰۴



بزرگداشت
شیخ شهاب‌الدین
سهروردی

آنچه در این شماره می‌خوانیم:

- ۳..... سهروردی در نگاه امام خمینی (ره)
- ۴..... نامه حضرت آیت الله العظمی نوری همدانی مرجع شیعیان جهان به پاپ لئون چهاردهم
- ۶..... رویکرد شیخ اشراق به مطالعات ادیان؛ دکتر مرتضی صانعی: استاد حوزه و دانشگاه
- ۸..... مصاحبه با پروفسور آنجلو میکله پیه‌مونتره؛ دکتر آلیچه میچانو، پژوهشگر ایتالیایی، بخش اول
- ۱۱..... سن جوآکینو و سنتا آنا، والدین مریم و پدر بزرگ و مادر بزرگ حضرت عیسی (ع)
- ۱۳..... حدیث هفته
- ۱۴..... واتیکان در هفته ای که گذشت



جِوَار

هفته نامه سفارت ج.ا.ا. در واتیکان

سال دوم | شماره ۷۷ | جمعه | ۳ مرداد ۱۴۰۴ | 25 July 2025



صاحب امتیاز: سفارت ج.ا.ا. ایران در واتیکان

مدیر مسئول: دکتر محمدحسین مختاری

سر دبیر: حسن نیازی

تهیه شده در: بخش فرهنگی

آدرس: ۵۷, ۰۰۱۹۸ Via Bruxelles

تلفن: +۳۹۰۶۸۵۵۲۴۹۴

پست الکترونیکی: vat.media@mfa.gov.ir

وب سایت: <https://vatican.mfa.gov.ir/portal>

شبکه ایکس: IRANtotheHolySee@IRANinVATICAN

سهروردی در نگاه امام خمینی(ره)



امام خمینی با بهره‌بردن از آراء و مبانی سهروردی در مواردی نیز به بررسی و نقد آنها پرداخته است از جمله:

۱- علم الهی: امام خمینی در بیان علم حق تعالی پس از ایجاد، با تقریر کلمات شیخ اشراق مبنی بر اینکه علم حق تعالی به صورت احاطه بر موجودات است، بر این مطلب تأکید دارد که در اشراقیون مناط علم تفصیلی به اشیاء را همان علم فعلی می‌دانند. امام خمینی نظریه شیخ اشراق و درحقیقت شامل دو بخش می‌داند؛ یکی اثبات علم فعلی خداوند به اشیاء و دیگری انحصار علم خداوند به اشیاء در علم فعلی. از نگاه امام خمینی، بخش نخست درست است؛ ولی بخش دوم که مستلزم انکار علم پیشین خداوند به اشیاء است، درست نیست.

۲- عدم رجوع صفات الهی به یکدیگر: امام خمینی نظریه اشراق را مبنی بر اینکه سمع و بصر الهی به علم ارجاع داده نمی‌شود، بلکه علم به سمع و بصر برمی‌گردد، رد می‌کند.

۳- تناسخ: به اعتقاد امام خمینی شیخ اشراق باوجود اینکه به عالم برزخ اذعان دارد، معتقد است نفوس اشقیاء پس از مفارقت از ابدان، برای اینکه تصورات جزئی که موجب آلام و عذاب است بر ایشان حاصل شود، باید متعلق به اجسام فلکی شوند. به باور امام خمینی این سخنان ناشی از بی‌اطلاعی از تجرد مثالی است.

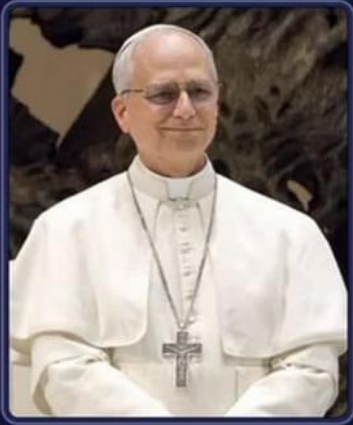
امام خمینی از سهروردی با القابی چون شیخ مقتول، صاحب آثار نفیس و مصنفات عزیز، حکیم نورانی، موصوف به فهم معارف الهی و احیاکننده طریقه حکمت افلاطون، یاد کرده است. امام خمینی بر این باور است که این حکیم بزرگ اشراقی، میان فلسفه و ریاضات نفسانی جمع کرده و از علمای بزرگ روح به شمار می‌آید، بنا بر نظر امام خمینی در هر قرن یک یا چند تن هستند که در ترقی کمال نفسی به مقام عقلانی می‌رسند، از جمله شیخ اشراق که وجود روحانی خود را دیده بود.

امام خمینی به فلسفه اشراق کاملاً توجه داشته و گاهی اصطلاحات آنها را از جمله «نفوس اسفهبديه» و «هیئات مظلومه» را به کار برده است. این گرایش امام به فلسفه اشراق را باید در بعد اخلاقی و عرفانی ایشان جستجو کرد. امام خمینی در نامه خود به میخائیل گورباچف، وی را به خواندن کتاب‌های سهروردی از جمله کتاب حکمت اشراق دعوت کرده است، و اینکه هر موجود مادی به نور صرف که منزله از حس است، نیازمند می‌باشد و ادراک شهودی ذات انسان از حقیقت خویش، مبرا از پدیده‌های محسوس خواهد بود.

نامه حضرت آیت الله العظمی نوری همدانی

مرجع شیعیان جهان

به پاپ لئون چهاردهم



حوزه علمیه قم

بسم الله الرحمن الرحيم

عالیجناب پاپ لئون چهاردهم؛

رهبر کاتولیک‌های جهان

با سلام و احترام

همان گونه که استحضار دارید، کرامت انسانی به معنای شرافت، بزرگی و ارزش ذاتی انسان، یکی از مفاهیم بنیادین در ادیان الهی است. ادیان ابراهیمی جملگی بر جایگاه والای انسان تاکید ورزیده اند و انسان را موجودی دارای ارزش ذاتی و ظرفیت‌های روحانی می دانند که به صورت خاصی از سوی خداوند آفریده شده است. همه ادیان الهی اصل برابری، آزادی، مسئولیت پذیری و حقوق انسانی را تایید نموده و تبعیض نژادی، قومی و طبقاتی را شدیداً نفی میکنند.

بدیهی است ادیان الهی، با وجود تفاوت‌های اعتقادی، در تاکید بر کرامت ذاتی انسان مشترکند. این کرامت نه تنها بنیان حقوق انسانی است، بلکه زمینه ساز تعامل اخلاقی و انسانی میان پیروان ادیان مختلف می باشد. در جهانی که خشونت و تبعیض رو به افزایش است، بازگشت به این اصل مشترک می تواند راهی مطلوب برای همزیستی مسالمت آمیز و تفاهم میان ادیان باشد.

همان گونه که می دانید غزه، سرزمین محاصره شده‌ای است که امروز به نماد مظلومیت انسان در برابر ظلم و بی عدالتی بدل شده است. در حالی که جهان شاهد مرگ روزانه کودکان، زنان و مردان بی گناه بر اثر گرسنگی، تشنگی و کمبود دارو است، رژیم صهیونیستی با ادامه محاصره کامل غزه و منع ورود غذا و کمک‌های بشردوستانه، فاجعه‌ای بی سابقه در تاریخ معاصر رقم زده است. این رفتار نه تنها از منظر انسانی، بلکه از نگاه دینی، اخلاقی و حقوق بین المللی کاملاً مردود و محکوم است.

اسلام دین رحمت و انسان دوستی است و آزار رساندن به بی گناهان، به ویژه کودکان و زنان، شدیداً نکوهش شده است. در تعالیم مسیح نیز کمک به گرسنگان و نیازمندان یک وظیفه الهی است. در تورات نیز بر عدالت و مهربانی با دیگران تأکید فراوان شده است. از منظر ادیان الهی، محروم کردن مردم از غذا، ظلمی فاحش در برابر خواست الهی است.

از منظر اخلاق انسانی و وجدان بیدار هم محاصره صد ها هزار نفر بیگناه از جمله زنان و کودکان و اعمال فشار و هجوم ددمنشانه بر آنان و جلوگیری از رسیدن غذا و دارو به ایشان، خطایی نابخشودنی است. اخلاق انسانی بر پایه کرامت ذاتی انسان بنا شده است. هر انسان بی گناهی، صرف نظر از ملیت، دین یا نژاد، سزاوار زندگی شرافتمندانه است. محروم سازی عامدانه یک جمعیت از غذا، آب و دارو، جنایتی علیه وجدان بشر و نافی اصول بنیادین همزیستی انسانی است. رفتار رژیم صهیونیستی با مردم غزه نه تنها غیر اخلاقی و غیر انسانی، بلکه بر اساس اسناد معتبر حقوق بین الملل جنایت جنگی محسوب می شود.



رفتار ظالمانه و غیرانسانی رژیم صهیونیستی در ممانعت از ورود غذا و اقلام حیاتی به مردم غزه، نقض صریح اصول دینی، انسانی، اخلاقی و حقوق بین‌الملل است. این اقدام نه تنها شایسته محکومیت جهانی است، بلکه مستحق پیگرد و مجازات بین‌المللی نیز می‌باشد. اکنون وظیفه همه انسان‌های آزاده، سازمان‌های حقوق بشر، نهادهای دینی و ملت‌های جهان است که در برابر این جنایت خاموش نباشند و صدای مظلومان غزه باشند.

اینجانب ضمن تحسین از مواضع جناب عالی در مسئله فلسطین که در خطابه اخیر، نگرانی خود را از وضعیت فاجعه بار انسانی مردم غزه ابراز نموده اید و آن را وضعیتی دانسته اید که بهای دردناک آن به ویژه بر دوش کودکان، سالمندان و بیماران است. از سوی دیگر از جامعه بین‌المللی درخواست کرده اید که به حقوق بشر دوستانه پایبند باشد و به وظیفه حفاظت از غیر نظامیان، ممنوعیت مجازات جمعی، استفاده بی‌رویه از زور و جابجایی اجباری جمعیت احترام بگذارد.

عالیجناب

اکنون آنچه در غزه در حال وقوع است قطعاً با هیچ یک از موازین دینی، انسانی و اخلاقی قابل تصور نیست. هر روز دهها کودک به خاطر قحطی و گرسنگی جانشان را از دست می‌دهند و یک نسل کشتی آشکار است و دل هر انسان آزاده‌ای را جریحه دار می‌سازد. در این اوضاع هولناک اگر انبیای الهی همچون حضرت موسی(ع)، حضرت عیسی(ع) و حضرت محمد(ص) حضور داشتند آیا مشاهده این همه رنج و مصیبت را تحمل می‌کردند؟ یا صرفاً نظاره گر این نوع رویدادهای خشن و غیر انسانی بودند و هیچ گونه واکنشی از خود نشان نمی‌دادند؟

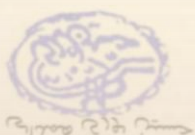
امید است جناب عالی و دیگر رهبران دینی در پیشگیری از این نوع جنایات ضد بشری توسط رژیم صهیونیستی اقدامات موثر و نقش آفرین انجام دهند.

عالیجناب

در پایان پیشنهاد می‌کنم، ادیان ابراهیمی ضمن محکومیت سو استفاده ابزاری از دین برای خلق فجایع پیش گفته (تداوم ۸۰ سال جنایت به بهانه تشکیل دولت یهودی توسط صهیونیست‌های جنایتکار) ذیل چارچوبی هوشمند و جهانی، تمام ظرفیت خویش را برای ممنوعیت و محکومیت بکارگیری زور و خشونت از یک سو و نصح صلح و انسانیت از سوی دیگر بکار بندند.

حوزه علمیه مقدسه قم

حسین نوری همدانی



رویکرد شیخ اشراق به مطالعات ادیان

دکتر مرتضی صانعی: استاد حوزه و دانشگاه



شیخ اشراق با تأکید بر عالم انوار و پیوند نور و وجود، تلاش کرد دیدگاه فلسفی‌ای ارائه دهد که علاوه بر فلسفه‌های یونانی، ظرفیت فهمی عمیق‌تر از دین، نبوت، وحی، و پیوند ادیان را فراهم آورد. فلسفه او مسیر تازه‌ای برای تبیین تجربه نوری و شهودی دین و همچنین تحلیل فلسفی دین فراهم کرد که در فلسفه اسلامی و عرفان نیز تأثیرگذار بود و باعث شد مطالعات ادیان در سنت اسلامی با نگاه متعالی و پرمعق‌تر همراه باشد.

اما در این میان شیخ شهاب‌الدین سهروردی به صورت مستقیم نظریه مشخص و تفصیلی درباره رابطه جامع ادیان مختلف در قالب مطالعات تطبیقی ادیان ارائه نکرده است، اما از منظر فلسفه اشراق و نگاه کلی او به حکمت و فرهنگ‌ها می‌توان اشاره کرد که سهروردی فلسفه اشراق را بر پایه ادغام و آشتی میان حکمت‌های مختلف بنا کرده است.

او ضمن استفاده از مفاهیم افلاطونی، نوافلاطونی، آموزه‌های اسلام، تصویری کلی از حکمت ارائه می‌دهد که در آن فرهنگ‌ها و نظام‌های فکری مختلف، به مثابه بخش‌هایی از یک نظام معرفتی هماهنگ دیده می‌شوند. او میان عقل و وحی، فلسفه و عرفان، سنت‌های مختلف فلسفی و دینی پل زده و معتقد است حکمت اصیل، هم زمان بر استدلال و هم بر مکاشفه و شهود متکی است.

شیخ شهاب‌الدین یحیی سهروردی در اندیشه خود نظریه‌ای عمیق درباره ارتباط دین و فلسفه ارائه داده و نگاه وی نسبت به دین و مطالعات دینی، بیش از آنکه صرفاً نظری و فلسفی باشد، مبتنی بر پیوند میان وحی، عرفان و فلسفه است. سهروردی برخلاف برخی فلسفه‌های مشایی که عقل را تنها راه شناخت می‌دانستند، به وحدت عقل و وحی باور داشت و فلسفه را در امتداد و هماهنگی با قرآن و سنت می‌دید. او بارها از آیات قرآن و تعالیم دینی در آثارش بهره جسته و دین را عامل مهمی برای تزکیه و سیر روحی می‌دانست، چنان‌که وحدت نور در فلسفه او مستقیماً به آیه نور قرآن مرتبط است.

سهروردی اعتقاد داشت که حکمت‌های قدیم از جمله حکمت ایرانی و آموزه‌های ادیان پیشین از یک سرچشمه واحد نشئت گرفته‌اند و با اسلام نمی‌توانند در تقابل باشند؛ بلکه باید همدیگر را تکمیل کنند. وی به طور آشکار به احیای حکمت ایرانی پیش از اسلام اشاره می‌کند و دین را نیز عامل تکامل انسان می‌شمرد.

اگرچه سهروردی به یکتاپرستی و اصول توحیدی دین اسلام پایبند بود، ولی درباره برخی آیین‌ها مثل مانی‌گری یا زرتشتی‌گری به شدت انتقادی بود و آنها را دین‌های باطل می‌دانست. این نشان می‌دهد او در حیطه مطالعات دینی، نه از سر تأیید بی‌چون‌وچرا بلکه با رویکرد فلسفی و نقادانه به ادیان دیگر نگاه می‌کرد.

شیخ اشراق مهمترین فیلسوف زمانه

شیخ شهاب‌الدین سهروردی معروف به شیخ اشراق در سال ۵۳۳ شمسی در زنجان چشم به جهان گشود. شهاب‌الدین در علوم هم چون حکمت، اصول فقه و منطق سرآمد بود. او علاقه‌مند به عرفان و سلوک معنوی بود و به جهت کسب تجربه به سفر در شهرهای ایران پرداخت.

در طی این سفرها او شیفته تصوف شد، و مدتی طولانی را به اعتکاف و عبادت و تأمل گذراند. آخرین مقصد شیخ اشراق حلب سوریه بود که در آنجا مشغول تدریس در مدرسه خلاویه شد. او بنیان‌گذار حکمت اشراق است و به وی لقب رهبر افلاطونیان جهان اسلام را داده‌اند.

از سهروردی حدود ۵۰ کتاب به یادگار مانده که برخی از آثار او عبارتند از: التلویحات، حكمة الاشراق والالواح المعادية. یکی از خصوصیات شهاب‌الدین بی‌پاک بودن و داشتن صراحت کلام بود، که همین بی‌پروایی منجر به خشم و کینه‌توزی قشر عامه علیه او شد و او را مرتد می‌خواندند. این کینه و عناد تا جایی رسید که صلاح‌الدین ایوبی فرمانروای بزرگ اسلامی در نیمه دوم سده ششم هجری فرمان قتل این عارف بزرگ را صادر کرد.



برخلاف رویکردهای صرفاً عقلانی یا صرفاً دینی که ممکن است به جدایی یا تعارض دامن بزنند. در یک جمع‌بندی کلی می‌توان اشاره کرد که سهروردی به طور مستقیم نظریه‌ای نظام‌مند درباره رابطه ادیان ارائه نکرده، اما فلسفه او بر اساس آشتی و هم‌افزایی حکمت‌های متفاوت، و وحدت حقیقت معرفتی و تلفیق عقل و وحی استوار است که می‌تواند چارچوبی فلسفی عرفانی برای فهم و تعامل میان ادیان مختلف فراهم آورد. نگاه متعادل او میان نقد و احترام به آموزه‌های گوناگون، نشان‌دهنده رویکردی نسبتاً جامع و فراتر از تعصبات رایج آن زمان است. این فلسفه بستر فکری مهمی برای توسعه مطالعات میان دینی و فرهنگ‌سازی گفت‌وگوی دینی در جهان اسلام پدید آورده است.

سهروردی سعی می‌کند خلأ میان این دو را پر کند که در عمل می‌تواند زمینه‌ای برای فهم بین‌الادیان و فرهنگ‌های فلسفی مختلف باشد. سهروردی نگاهی تاریخی فرهنگی به دین دارد و اعتقاد دارد آموزه‌های دینی مختلف اگر در نور حقیقت واحد وجود دیده شوند می‌توانند به هم مرتبط و در یک مسیر واحد معنوی قرار گیرند. هم‌زمان سهروردی در برخورد با برخی ادیان مانند مانوی‌گری یا آیین‌های ضد توحیدی نگرشی انتقادی داشت که حکایت از موضعی نقد‌گرایانه، نه صرفاً جمع‌گرایانه یا نسبی‌گرا دارد. مهم‌ترین پیام فلسفه او در این زمینه، آشتی دادن عقل، شهود، و وحی به عنوان سه منبع شناختی معتبر است که این خود زمینه نظری را برای گفت‌وگوی میان فرهنگی و میان دینی فراهم می‌آورد؛ .

مصاحبه با پروفسور آنجلو میکله پیه‌مونتره

دکتر آلیچه میجانو؛ پژوهشگر ایتالیایی، بخش اول

این ریشه‌شناسی بعدها از سوی ایران‌شناسان برجسته فرانسوی نیز تأیید شد. همچنین در باره منابع تصویری و بناهای مربوط به روابط تاریخی میان رم (به عنوان شهر، ولو آنکه کلیسایی است، اما آن را به عنوان پایتخت یک کشور تلقی می‌کنم) و پادشاهی‌های ایران کار کرده‌ام. به‌ویژه دوره دوم قرن پانزدهم در زمان حکومت آق‌قویونلو و سپس صفویه. مجموعه‌ای از مقالات تخصصی در این زمینه منتشر کرده‌ام که بسیاری از آن‌ها بعدها در دو جلد کتاب ایران تصویرشده در رم و پرسیکای واتیکانا گرد آمدند.

مجموعه این مطالعات، مکاتبات میان پاپ‌ها و پادشاهان ایران، مبادله هیئت‌های دیپلماتیک و اسناد موجود در رم را مستند می‌سازند، نه فقط در آرشیو و کتابخانه واتیکان، بلکه در خود شهر رم نیز. در رم، در کلیساها و حتی میدان‌ها، صحنه‌ها و شخصیت‌هایی از تاریخ روابط دوجانبه تصویر شده‌اند. در برخی موارد، این تصاویر نخستین بار توسط من شناسایی شده‌اند؛ برای نمونه، در مورد نامه فاخر شاه محمد خدابنده صفوی، پدر شاه عباس، که خطاب به پاپ گرگوری دوازدهم نوشته شده بود، اما توسط جیووانی باتیستا وچتی، ایران‌شناس، از تبریز (که در آن زمان در محاصره سپاه عثمانی بود) به رم آورده شد و به پاپ سیکستوس پنجم تحویل داده شد.

افتخار داشتیم که با پروفسور آنجلو میکله پیه‌مونتره، استاد ممتاز زبان و ادبیات فارسی، مصاحبه‌ای برای هفته‌نامه سفارت جمهوری اسلامی ایران در واتیکان، انجام دهیم. او با لطف تمام ما را در آپارتمان خود واقع در مرکز تاریخی شهر رم پذیرفت.

ایشان استاد رسمی دانشگاه لا ساپینتسا رم و همچنین وابسته فرهنگی پیشین سفارت ایتالیا در تهران بوده‌اند. محور اصلی پژوهش‌های ایشان در زمینه‌های کدیکولوژی (دست‌نوشته‌شناسی)، روابط دیپلماتیک میان رم-واتیکان و ایران، انتقال متون، ادبیات تطبیقی و تاریخ مطالعات است.

وی نویسنده آثار بسیاری است، از جمله: تاریخ ادبیات فارسی، ادبیات ایتالیایی در ایران، ایران تصویرشده در رم، پرسیکای واتیکانا: رم و ایران میان نسخه‌ها و متون و فهرست نمایشنامه‌های دینی ایرانی.

استاد گرامی، از اینکه پیشنهاد ما را جهت انجام گفتگو پذیرفتید سپاسگزاریم. شما صدها مقاله، پژوهش و کتاب درباره ایران و ادبیات فارسی نوشته‌اید؛ کدام یک از این آثار برایتان اهمیت بیشتری دارد؟

مقاله‌ای بلند درباره ریشه‌شناسی فارسی «البُراق»، مرکب پیامبر اسلام، نوشته‌ام که برایم بسیار عزیز است.



مهم‌ترین نکته‌ای که این مستندات نشان می‌دهند، وجود رابطه دیپلماتیک دوستانه و اتحاد دوجانبه علیه دشمن مشترک، یعنی ترک‌ها، است که هفت قرن ادامه داشته است.

این اسناد و شواهد چه اهمیتی برای شهر رم و کاتولیک‌ها داشتند؟

برای شهر رم و پاپ‌ها، این اسناد یادآور اقلیت مسیحی در ایران باستان بودند. ما درباره شهادت ایرانی رم در دوران باستان صحبت می‌کنیم. این رابطه بر دو محور استوار بود: نخست، دوستی و اتحاد؛ و دوم، یادآوری دائمی مسیحیان ایران باستان در رم، از جمله شهدا و قدیسانی مانند «ماریو» که هنوز هم نام او در ایتالیا بسیار رایج است و یادآور آن شهید است. حتی پس از انقلاب اسلامی و با وجود تنش با برخی کشورهای غربی، روابط با واتیکان ادامه یافته و عمیق‌تر نیز شده است، به‌ویژه از طریق تلاش‌های سفارت ایران در واتیکان و گفت‌وگوی بین‌الدیانی که به‌طور خاص با همکاری دانشگاه پاپی گریگوری و سایر نهادهای پاپی، و همچنین جامعه سنت‌ایجیدیو انجام می‌گیرد.

اصل این نامه که به زبان فارسی و با خطی زرین نوشته شده، در آرشیو واتیکان نگهداری می‌شود. ترجمه ایتالیایی این نامه که توسط خود وچتی انجام شده بود، به آن ضمیمه بود و نام او نیز در متن نامه ذکر شده است.

نمونه دیگر شناسایی صحنه‌ای در کاخ کوئیریناله رم است، در سالن کنونی گاردهای سواره، که پیش‌تر "سالن سلطنتی پاپی" نام داشت و توسط پاپ پل پنجم (کامیلو بورگزه) ساخته شد. در این سالن دو سفیر به تصویر کشیده شده‌اند: در یک صحنه، یک سفیر مسن ایرانی و در برابر او، رابرت شرلی انگلیسی که در خدمت شاه عباس بود، دیده می‌شود. این دو شخصیت روی دو دیوار مقابل هم از یک بالکن نگاه می‌کنند. پاپ پل پنجم در این سالن صحنه‌هایی از سفارت‌های خارجی را به تصویر کشیده، از جمله سفارت‌هایی از ژاپن، کنگو و دو سفارت از ایران. من برای نخستین بار این دو شخصیت ایرانی را شناسایی کردم، که تا آن زمان هویت آن‌ها ناشناخته مانده بود.

خلاصه اینکه، پس از فارغ‌التحصیلی در رشته زبان فارسی از دانشگاه شرقی ناپل، تصمیم گرفتم که مطالعاتم را بر محورهای متمرکز کنم، از جمله: روابط تاریخی و دیپلماتیک میان ایران قاجار و پادشاهی ایتالیا و نیز شواهد و نشانه‌های ایرانی در ایتالیا، به‌ویژه اسناد مربوط به ایتالیایی‌ها نظامیان و غیرنظامیان، از جمله کارگران که در قرن نوزدهم (دوره قاجار) به ایران مهاجرت کرده بودند.

آن‌ها افسر، پزشک، بانکدار و همچنین کارگرانی بودند که نقش بزرگی در مدرن‌سازی ایران ایفا کردند، مانند سازماندهی ارتش، بانکداری، بهداشت و ساخت‌وسازهایی که توسط ساعت‌سازان، معماران و دیگران اجرا شد.

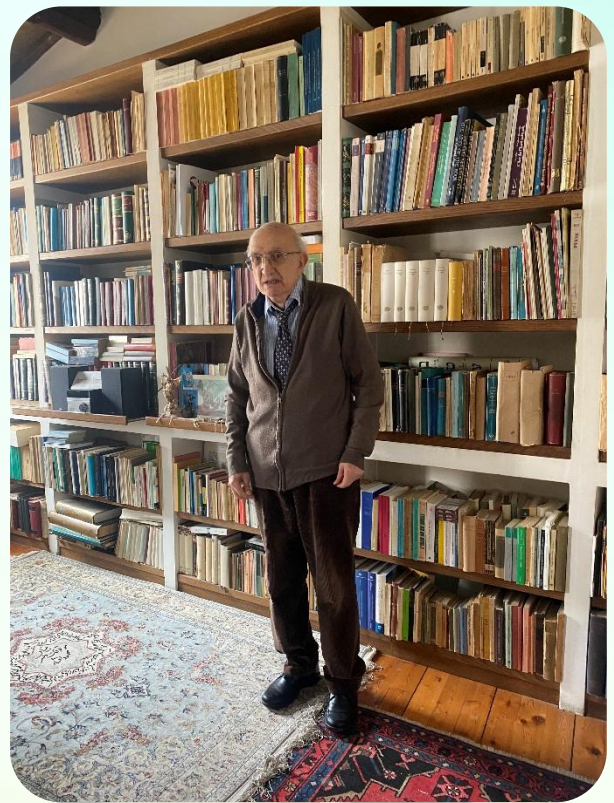
آیا این افراد متخصص و کارگر توسط ایران دعوت می‌شدند؟

ایران پذیرای پناهندگان غربی جنگ‌ها بود و بسیاری از مهاجران به ایران آمدند.

بازگردیم به خطوط مطالعاتی که شما دنبال کردید...

من صدها سند و مقاله در زمینه نخستین خط مطالعاتی‌ام منتشر کرده‌ام. در مورد حضور نشانه‌های ایرانی در ایتالیا، به بررسی مجموعه‌های خطی فارسی موجود در کتابخانه‌های ایتالیا پرداختم، به‌جز کتابخانه واتیکان که آن را در مرحله‌ای دیگر بررسی کردم. سپس وارد مرحله سومی از مطالعات شدم: بررسی روابط میان رم-واتیکان و ایران. تا آن زمان تحقیقات چندانی در زمینه بازنمایی رویدادها، شخصیت‌ها و اسناد ایرانی در شهر رم انجام نشده بود.

برای پاسخ به این پرسش که یک ایران‌شناس چه نسبتی با ایران دارد، باید گفت: منطق پژوهش این است که بر اساس آنچه موجود است، اسناد و منابعی که در ایتالیا حفظ شده‌اند، به دنبال شواهد روابط تاریخی میان دو کشور باشیم. برای نمونه، بر اساس نسخه‌های خطی که گردآوری، خریداری یا وارد شده‌اند و بسیار حائز اهمیت‌اند و نیز اسناد تاریخی دیپلماتیک.



از جمله نشانه‌های این رابطه، انتصاب اخیر کاردینال بلژیکی متیو به عنوان اسقف تهران اصفهان از سوی پاپ فرانسیس است. او نام قدیمی این اسقف‌نشین را که از قرن هفدهم به "اسقف‌نشین اصفهان" شناخته می‌شد، به "اسقف‌نشین تهران-اصفهان" تغییر داد.

مطالعاتتان بسیار گسترده است، اما مایلیم کمی درباره زندگی شخصی شما بپرسم. علاقه‌تان به ایران و این‌گونه مطالعات از کجا آغاز شد؟

برای لحظه‌ای از آثار منتشره‌ام فاصله بگیریم. بخشی از آن‌ها درباره تاریخ مطالعات عربی در ایتالیا، به‌ویژه در قرون پانزدهم و شانزدهم است.

سن جوآکینو و سنتا آنا، والدین مریم و پدر بزرگ و مادر بزرگ حضرت عیسی(ع)

ارادت به سن جوآکینو و سنتا آنا، والدین مریم و پدر بزرگ و مادر بزرگ عیسی، در غرب دیر آغاز شد و در حدود سال‌های ۹۰۰ تا ۱۰۰۰ میلادی با احتیاط شروع شد، در حالی که در شرق مسیحی، از قرن ششم میلادی، آیین‌ها و مراسم‌های قابل توجهی در ارتباط با سایر اعیاد مریم مقدس (مانند لقاح و ولادت) وجود داشت. پاپ گریگوری سیزدهم در سال ۱۵۸۴، روز بزرگداشت این دو را به‌طور رسمی در تاریخ ۲۶ ژوئیه (۴ مرداد) یکپارچه کرد.

نام «آنا» برگرفته از عبری «حَنَه» به معنای "نعمت" است و «جوآکینو» نیز از عبری آمده و به معنای "خداوند نیرومند می‌سازد" است. با وجود آن که اطلاعات اندکی درباره سنت آنا وجود دارد — آن هم نه از منابع رسمی و قانونی اما ارادت به او هم در شرق و هم در غرب بسیار گسترده است. جالب آن که از این دو شخصیت مهم در تاریخ مسیحیت هیچ نامی در اناجیل رسمی نیامده است. با این حال، در انجیل غیررسمی «پروتووانجلو (پیش‌انجیل) یعقوب» که مربوط به قرن دوم میلادی است، از آنان به تفصیل یاد شده است. در بازنویسی‌های بعدی این متن، جزئیات بیشتری افزوده شده است. آنا زنی اسرائیلی از قبیله یهودا بود و دختر کاهن بیت‌لهمی به نام متان، و بنابراین از نسل داوودی به شمار می‌رفت.

در «پروتووانجلو یعقوب» آمده که جوآکینو، همسر آنا، مردی پرهیزگار و بسیار ثروتمند بود که در نزدیکی اورشلیم زندگی می‌کرد. یک روز که مانند هر سال برای تقدیم هدایا به معبد رفته بود، کاهن اعظم به نام روبن، او را متوقف کرد و گفت: «تو حق نداری نخستین نفر باشی که هدیه می‌آورد، چون فرزندی نداری.» جوآکینو و آنا زوجی بدون فرزند بودند و با توجه به سنشان دیگر امیدی به فرزند نداشتند. در آن زمان، نداشتن فرزند نوعی نشانه لعنت الهی تلقی می‌شد.

جوآکینو، چوپانی ثروتمند و سالمند، از سخنان کاهن اعظم اندوهگین شد و به بایگانی دوازده قبیله اسرائیل رفت تا صحت گفته‌های روبن را بررسی کند. او پس از آن که دریافت مردان پرهیزکار همیشه دارای فرزند بوده‌اند، دیگر شهامت بازگشت به خانه را نداشت و به کوهستان رفت و به مدت چهل روز و شب با گریه، دعا و روزه، از خدا طلب یاری کرد. آنا نیز از ناباروری رنج می‌برد و با اشتیاق بسیار دعا کرد تا خدا دعای آنان را مستجاب کرده و به آنان فرزندی عطا کند.

در حین دعا، فرشته‌ای بر او ظاهر شد و گفت: «آنا، آنا، خداوند دعای تو را شنید و تو باردار خواهی شد و خواهی زایید و نسل تو در سراسر جهان ستوده خواهد شد.» چنین شد و پس از چند ماه، آنا دختری به دنیا آورد. «پروتووانجلو یعقوب» نتیجه می‌گیرد که این دختر «مریم» نام گرفت، یعنی "محبوب خداوند".



نگارگری‌های شرقی، دیدار آنا و جوآکینو را در دروازه طلایی اورشلیم هنگام بازگشت او از کوه بسیار به تصویر کشیده‌اند، گرچه مدرک تاریخی روشنی برای این صحنه وجود ندارد. این والدین پارسا، شاکر از نعمت الهی، مریم کوچک را با عشق بزرگ کردند و طبق نذری که هنگام دعا کرده بودند، در سن سه‌سالگی او را برای خدمت در معبد اورشلیم تقدیم کردند. پس از آن، جوآکینو دیگر در متون دیده نمی‌شود، اما آنا در برخی اناجیل غیررسمی بعدی نیز ذکر شده و گفته شده تا ۸۰ سالگی عمر کرد.

عبادت و ارادت:

ارادت به جوآکینو و آنا ابتدا در شرق گسترش یافت و سپس به غرب نیز راه یافت (به‌ویژه به‌خاطر آوردن بسیاری از بقایای مقدس آنان در زمان جنگ‌های صلیبی). اولین نمونه مستند در شرق، به دوران امپراتور ژوستینیان برمی‌گردد که حدود سال ۵۵۰ میلادی، کلیسایی به افتخار سنتا آنا در قسطنطنیه ساخت. گسترش این ارادت در غرب به تدریج و دیرتر انجام شد؛ گرچه تصویر او در موزاییک‌های طاق کلیسای سانتا ماریا ماجوره در رم (قرن پنجم) دیده می‌شود، اما مراسم رسمی بزرگداشت او در حدود قرن دهم میلادی در ناپل آغاز شد و به‌مرور در مناطق دیگر نیز رواج یافت، تا آنکه در قرن پانزدهم به اوج رسید.

پاپ گریگوری سیزدهم (۱۵۰۲-۱۵۸۵) در سال ۱۵۸۴ جشن سنتا آنا را به سراسر کلیسای کاتولیک گسترش داد. اما ارادت به او به‌ویژه در کشورهای شمال اروپا شدت بیشتری یافت، و یکی از دلایل آن کتاب «رساله‌ای در باره ستایش مقدس‌ترین آنا» نوشته جووانی تریتمیوس (۱۴۹۴) بود.

جوآکینو تا مدت‌ها از صحنه عبادات رسمی دور ماند و بعدها به‌صورت جداگانه گرمی داشته شد؛ آنا در ۲۵ ژوئیه در کلیسای شرقی و در ۲۶ ژوئیه در کلیسای غربی بزرگ داشته می‌شد، در حالی که جوآکینو ابتدا در ۲۰ مارس، سپس از سال ۱۹۱۳ در ۱۶ اوت، و در نهایت در تقویم جدید با همسرش در ۲۶ ژوئیه بزرگ داشته می‌شود.

مادر مریم، چون مریم را در رحم خود پروراند کسی که برای کاتولیک‌ها امید جهان است اغلب با شنی سبز رنگ به تصویر کشیده می‌شود و به همین دلیل در منطقه برتانی (فرانسه)، که مردم آن بسیار به او ارادت دارند، برای برداشت یونجه از او کمک می‌طلبند. او همچنین نگهبان زرگران و بشکه‌سازان نیز هست، زیرا بر اساس سنت، «مریم را چون گوهری در صندوقچه‌ای حفظ کرد». او حامی معدن کاران، نجاران، درودگران، منبت کاران و تراش کاران نیز هست، و چون به مریم کارهای خانه، دوخت و دوز و بافندگی آموخت، حامی جاروسازان، بافندگان، خیاطان، پارچه‌فروشان و فروشندگان لوازم خانگی نیز به شمار می‌رود. اما بیش از همه، او را حامی مادران خانواده و بیوه‌ها می‌دانند و در زایمان‌های سخت و برای درمان نازایی از او یاری می‌خواهند. زنان باردار برای دریافت سه نعمت بزرگ از خدا به او توسل می‌جویند: زایمانی آسان، فرزندی سالم، و شیر کافی برای پرورش او.



حدیث ہفتہ

قال الصادق (علیه السلام):

من لم یأت قبر الحسین (علیه السلام) و هو یرغم انہ لنا شیعة حتی یموت
فلیس ہولنا شیعة وان کان من اہل البخنة فهو من ضیفان اہل البخنة.



امام صادق (علیه السلام) فرمود:

کسی کہ بہ زیارت قبر امام حسین نرود و خیال کند کہ شیعه ما است و با این حال
و خیال بمیرد او شیعه ما نیست و اگر ہم از اہل بہشت باشد از میہمانان اہل بہشت خواهد بود.

منبع: کتاب کامل الزیارات، ص ۱۹۳، بحار الانوار ج ۹۸ ص ۴



واتیکان در هفته‌ای که گذشت...



RADIO
VATICANA



VATICAN
NEWS

وب سایت واتیکان نیوز

پاتریارک ها و رهبران کلیسای اورشلیم نیز با انتشار بیانیه ای همبستگی عمیق خود را با پاتریارک نشینی کاتولیک اورشلیم و همه کسانی که به کلیسای خانواده مقدس غزه پناه برده اند را اعلام کرده و این جنایت را محکوم کردند: اماکن دینی اماکن مقدس هستند که باید محافظت شوند و همچنین تحت حفاظت حقوق بین الملل هستند .

این بیانیه می افزاید: هدف قرار دادن کلیسایی که میزبان حدود ۶۰۰ پناهنده از جمله کودکان بود، ناقض این قوانین است. ما پاتریارک ها و رهبران کلیساهای اورشلیم از رهبران جهانی و نهادهای سازمان ملل درخواست می کنیم تا برای آتش بس فوری در غزه که به این جنگ پایان دهد، اقدام کنند. همچنین حفاظت از همه اماکن دینی و بشردوستانه را تضمین کرده و در جهت بهبود وضعیت مردم گرسنه غزه تلاش کنند .

در جریان حمله اسرائیل به تنها کلیسای کاتولیک نوار غزه ۳ نفر کشته و ۱۱ نفر دیگر از جمله کشیش این کلیسا مجروح شدند.



روز جمعه ۱۸ جولای پاپ لئون چهاردهم با کاردینال پی یر باتیستا پیتزابالا پاتریارک کاتولیک های آیین لاتین اورشلیم، که پس از بمباران کلیسای خانواده مقدس توسط اسرائیل همراه هیأتی به غزه رفته بود، تماسی تلفنی داشت.

کاردینال پیتزابالا گفت: پاپ لئون چهاردهم در این تماس تلفنی بارها تکرار کرد که زمان خاتمه یافتن این کشتار فرا رسیده است و آنچه اتفاق افتاد توجیه ناپذیر است و کاری باید کرد تا دیگر کسی کشته نشود.

پاتریارک نشینی آیین لاتین اورشلیم نیز با انتشار بیانیه ای اعلام کرد که کاردینال پیتزابالا به همراه پاتریارک ارتدکس های آیین یونانی اورشلیم، با هیأتی کلیسایی وارد غزه شدند.

تماس تلفنی محمود عباس و پاپ

روزنامه اُسرواتوره رومانو



آقای محمود عباس رئیس منطقه خودگردان فلسطین در تماسی تلفنی با پاپ لئون چهاردهم در مورد تحولات اخیر جنگ درنوار غزه و خشونت در کرانه باختری صحبت کرد.

دفتر مطبوعاتی واتیکان با انتشار بیانیه ای اعلام کرد در جریان این مکالمه تلفنی، پدر مقدس بار دیگر ضمن درخواست خود برای احترام کامل به حقوق بین المللی بشردوستانه، بر وظیفه حفاظت غیرنظامیان، اماکن مقدس و ممنوعیت استفاده همه جانبه از زور و جابجایی اجباری مردم تاکید کرد.

با توجه به وضعیت غم انگیز انسانی، بر ضرورت کمک رسانی به کسانی که بیشتر در معرض عواقب جنگ هستند و اجازه ورود کافی کمک های بشردوستانه تاکید شد.

در خاتمه، پاپ سالگرد دهمین سال توافقنامه میان مقرر مقدس و دولت فلسطین، که در تاریخ ۲۶ ژوئن ۲۰۱۵ امضاء و ۲ ژانویه ۲۰۱۶ لازم الاجراء شد، را خاطرنشان کرد.

همبستگی اسقف های ایتالیا و اروپا

با کلیسای غزه

روزنامه اُسرواتوره رومانو

شورای اسقف های ایتالیا و شورای اسقف های کاتولیک اتحادیه اروپا نگرانی و ناراحتی خود از حمله اسرائیل به کلیسای خانواده مقدس در غزه را اعلام کردند.

شورای اسقف های ایتالیا در بیانیه ای نگرانی و ناراحتی خود را برای «حمله غیر قابل قبول به کلیسای خانواده مقدس غزه» اعلام کرده و نزدیکی خود را «به جامعه کلیسایی ضربه خورده، به خصوص به آنهایی که رنج دیده و به مجروحین، از جمله کشیش گابریل رومانیولی» اعلام کرد.

شورای اسقف های ایتالیا «طی درخواستی از طرف های درگیر و جامعه بین الملل می خواهد تا سلاح ها را خاموش کرده و مذاکرات آغاز شود». همچنین اسقف ماریانو کروچاتا رئیس (ایتالیایی) شورای اسقف های اتحادیه اروپا نیز ضمن اظهار نگرانی گفت «با قدرت مخالفت قاطعانه خود را با هر شکلی از جنگ اعلام می کنیم».



کاردینال پارولین: وضعیت در غزه غیر قابل تحمل است

روزنامه اُسرواتوره رومانو



به گفته پارولین همچنین، «بعد از حرف های زیاد» بلاخره عمل دیده شود: «من واقعاً فکر می کنم که آنچه توسط نخست وزیر اسرائیل گفته شد در کمترین زمان ممکن انجام شود زیرا وضعیت غزه وضعیتی واقعاً غیر قابل تحمل است».

کاردینال سپس گفت که ما در مقابل «جنگی بدون محدودیت هستیم» و از خود می پرسد: «چگونه می توان مردمی مانند مردم غزه را نابود و گرسنه کرد؟ قبلاً محدودیت های بسیاری نقض شده است».

کاردینال پارولین افزود: «به آنها به اندازه لازم وقت می دهیم تا به ما بگویند واقعاً چه اتفاقی افتاده است: آیا واقعاً یک اشتباه بود، چیزی که به طور مشروع می توان به آن شک کرد یا این خواست وجود داشت که مستقیماً به کلیسای مسیحی ضربه بزنند».

در حالی که می دانستند مسیحیان در خاورمیانه و حتی در روابط میان فلسطینی ها و یهودیان یک عنصر اعتدال هستند. در نتیجه هنوز این خواست وجود دارد که هر گونه عنصر که بتواند به رسیدن به یک آتش بس و سپس صلح کمک کند را از صحنه خارج کنند».

روز پنج شنبه کاردینال پیترو پارولین نخست وزیر واتیکان در مصاحبه با شبکه دو خبر تلویزیون دولتی ایتالیا در مورد وضعیت در غزه، حمله اسرائیل به کلیسای غزه و دیگر موضوعات صحبت کرد.

وی در مورد آنچه در غزه در حال وقوع است گفت: «این جنگی بدون محدودیت است». کاردینال از «محدودیت های نقض شده و گسترش غم انگیز جنگ» صحبت کرد و خواستار روشنگرایی در مورد آنچه در پنج شنبه گذشته در حمله نظامی اسرائیل به کلیسای خانواده مقدس غزه اتفاق افتاد شد.

وی در مورد جنگ های جاری یادآوری می کند که مقرر مقدس آماده میانجیگری است اما «میانجیگری فقط در زمانی می تواند انجام شود که دو طرف آن را بپذیرند».

وی در خصوص تماس پاپ و نتانیاهو گفت اکنون «به نظر من از این تماس تلفنی با پاپ لئون یا بعد از این تماس باید منتظر ۳ چیز بود: قبل از همه واقعاً نتایج حقیقی تحقیقی که قول آن را داده بودند ارائه شود».

کلیسای شرق: شرم آور است که نتوانستیم به جنگ در غزه خاتمه دهیم

وب سایت واتیکان نیوز (رادیو واتیکان)



وی افزود: در میان این همه «خشم و غضب» که در حال ضربه زدن به همه مردم غزه است، یک مورد از نمونه های بسیار آن، حمله نظامی اسرائیل به کلیسای کاتولیک خانواده مقدس است که عملی غیرانسانی می باشد که در جریان آن ۳ نفر کشته و ۱۰ نفر دیگر مجروح شدند. این حمله «حق کهن پناهندگی، شناخته شده به عنوان پیشرفت تمدن، را نقض کرده است».

کاردینال کلودیو گوجروتی رئیس نهاد کلیساهای شرق در پیامی به کاردینال پیتزبالا فاجعه غزه را توصیف کرده و گفت «شرم بر ما که نتوانستیم به وحشیگری در غزه خاتمه دهیم و در کنار پنجره تماشاچی بودیم، گویی که همه این وقایع به ما مربوط نمی شود و پیش بینی مرگ همه بشریت نیست».



VATICAN
NEWS

درخواست گروهی از اساتید دانشگاه به پاپ جهت سفر به غزه

روزنامه ایل مانیفستو



آیا این بزرگ ترین کمک برای همه بشریت نخواهد بود، بشریتی که چهره اش در اثر کشتار بی رحمانه و مستند روزانه مردم غزه، زشت شده است. شما، پدر مقدس، صدای خود را بلند کنید، که برای یک میلیارد و نیم (مسیحی)، صدای جانشین مسیح است.

اما نه فقط کاتولیک‌ها، نه فقط جهان مسیحیت، نه فقط معتقدین هر دینی، بلکه تمام بشریت امروز به این صدای شما گوش می‌دهد.

این نامه می‌افزاید مطلع شدیم که نخست وزیر اسرائیل شخصاً از شما برای سفر به اسرائیل دعوت به عمل آورده است، آیا حقیقت دارد، آنهم توسط فردی که امروزه تحت تعقیب دیوان کیفری بین الملل متهم به جنایات جنگی شده است.

اما اگر این دعوت دیکته شده توسط استراتژی‌های ژئوپلیتیکی بدبینانه پنجره‌ای، نه برای ورود به اسرائیل بلکه ورود به غزه باشد، شما می‌توانید با این سفر راهنمایی برای اشخاص و مردم باشید. مردم بی‌شماری که آماده دنبال کردن شما هستند.

به دنبال سخنان پاپ که در سخنانی گفت می‌تواند به غزه و به جاهای دیگر سفر کند، گروهی از اساتید کاتولیک دانشگاه‌ها در نامه‌ای به پاپ نوشتند: پدر مقدس به جای رفتن به جایی دیگر به غزه برو تا رهبر صلح باشی.

در این نامه آمده است: پدر مقدس معتقدین به همه ادیان و مردم عادی که دین دیگری ندارند جز آنچه وظیفه انسان‌ها است، امروز به یاد سخنانی که در آغاز حکومت پاپی خود گفتید، آرزوی صلحی بی‌سلاح و خلع سلاح‌کننده، گرد شما جمع می‌شوند.

مطلع شدیم که کاردینال پیتسا بالا پاتریارک آیین لاتین اورشلیم با همه کمک‌هایی که می‌توانست با خود ببرد وارد غزه شد. اما بسیاری از ما از خود می‌پرسند: چرا پاپ به غزه نمی‌رود، چرا صدای خود را در آسمان رفح، خان یونس و شهر غزه بلند نمی‌کند؟



HEVAR

The Weekly Journal of the Embassy of the
Islamic Republic of Iran to the HolySee
Second Year | Issue 77 | 2025 July 25

شهادت

حضرت رقيه (س)

بر تمامی شیعیان جهان

تسلیت باد



The Embassy of the Islamic Republic of
Iran to the HolySee



Via Bruxelles, 57, 00198



+39068552494



vat.media@mfa.gov.ir



<https://vatican.mfa.gov.ir/portal>



IRANtotheHolySee@IRANinVATICAN

